

است، پیام‌های نسل جوان ایرانی که حتی بعد از انقلاب به دنیا آمده اند برای من باعث افتخار است. می‌گویند آقای امیرانی ممنون که تاریخ خودمان را به خودمان گفتی. من هم سیاست‌گزارم هم از استقبال تان و هم از حمایت‌تان. این مهم‌ترین فیلمی است که در عمرم ساختم، ممکن است فیلمی مهم‌تر از «کودتای ۵۳» نسازم. اگر دیگر نگذارند تقی امیرانی در هیچ جایی فیلم بسازد، همین فیلم کافی است، ما حرف‌مان را زده‌ایم.

■ **بارسقیان: داستان آقای مصدق همچنان ادامه دارد وقابل طلاق نیست.** «کودتای ۵۳» سوبه‌های نورا برای مخاطب ایرانی و انگلیسی باز کرد. فارغ از ارزش‌های فیلم‌سازی یک سند است. کتمان ۶۷ ساله دولت انگلیس را نقض می‌کند و اطلاعات نوبی می‌دهد. با یافتن زبانی مشترک و دادن اطلاعات مستند درباره نقش انگلیس در کودتا هم مخاطب انگلیسی و هم مخاطب ایرانی را شگفت‌زده می‌کند. فیلم ریتم تندی دارد و علاقه‌فیلمساز به مصدق تبدیل به شعار و پروپاگاندا ی سیاسی نشده است. داستان واقعی یک جامعه است. در پاسخ به اینکه چرا مصدق همچنان مطرح است باید بگویم چون تبدیل به تاریخ نشده است. روح حاکم بر رفتار برخی مناسبات است. شمایل ولتر در ایرانی است که خیلی از ما از روش را داریم. آدمی که به استقلال ملی و همزمان به آزادی اهمیت می‌دهد. به لحاظ اقتصادی آدم پاکدستی است. شخصیت سالمی دارد؛ البته یک‌دکده هم هست. همه ما ایرانی‌ها همین هستیم و یک جامایی خوششان می‌آید از کسی که پای حق ایستاده و کوتاه نمی‌آید. همه اینها مصدق را تبدیل به شمالی خواستنی برای مردم ایران می‌کند. جالب است برایتان خاطره‌ای از سال ۹۲ و میتینگ انتخاباتی آقای عارف برای ریاست جمهوری نقل کنم که در باشگاه حجاب برگزار شد. فیلمی از شخصیت‌های ملی از باقر خان و ستار خان تا امیرکبیر پخش شد، تصویر که به چهره مصدق رسید جمعیتی عظیم از جوانان ایستادند و کف و سوت زدند. همه شان دختر و پسرهای ۱۸-۱۹ ساله بودند. آنها بایدن مصدقی سر شوق آمدند که تصویرش در کتاب‌های قبل از او می‌کند که دشمنی آمریکا با ما از انقلاب شروع نشد بلکه از کودتای ۲۸ مرداد شروع شد؛ حتی اگر علاقه و اعتقادی به دکتر مصدق نداشته باشند اما آن را مبدأ اتفاقات و تحولات روابط می‌دانند. فکری برای ادامه این داستان دارید؟

■ **بارسقیان: به نظر می‌رسد یک چیزهایی بعد از فیلم شروع می‌شود و اتفاقات حین اکران و بعدش به داستان دیگری تبدیل می‌شود.** «کودتای ۵۳» دارد داستان تازه‌ای را شکل می‌دهد. قبل از این هم کودتا سیاست بود و تاریخ. روح سرگردانی بود بر روابط ایران و آمریکا. یک مبدأ برای ما ایرانی‌ها. الان هم مقامات جمهوری اسلامی به کودتا استناد می‌کنند که دشمنی آمریکا با ما از انقلاب شروع نشد بلکه از کودتای ۲۸ مرداد شروع شد؛ حتی اگر علاقه و اعتقادی به دکتر مصدق نداشته باشند اما آن را مبدأ اتفاقات و تحولات روابط می‌دانند. فکری برای ادامه این داستان دارید؟

بله من هم معتقدم ساخت «کودتای ۵۳» و هر بلایی بعد از پخش سر این فیلم آمد خودش یک داستان و فیلم است. انگار فیلم از خود سوزه بزرگ‌تر شده است. سال ۸۸ و از روز اولی که تصمیم به ساخت فیلم گرفتم این حس را داشتم. راجع به ساخت فیلم و کشف تاریخی داری شر؛ پیشنهاد کتاب و حتی ساخت فیلم سینمایی شده است. هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌ایم. ۱۱ سال درگیر «کودتای ۵۳» بودم. مستند سال ۲۰۱۹ تمام شد. ۲۰۲۰ پخش شد. ۲۰۲۱ به جشنواره‌ها رفت و بعد از یک اقدام برای سانسور دوباره برگشت. بالاخره یک روز باید بنشینیم، نفسی بکشیم و جای بخوریم و فکر پروژه بعدی باشیم. یک جورهایی من آقای دکتر مصدق بگویم آقا خیلی ممنون. تا به اینجا آمدی و قصه‌ات را گفתי و دیگر خودت با مخاطب بساز.

■ **فکری می‌کردید فیلم اینقدر با استقبال مواجه شود و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران انتخاب شود.** فارغ از شایستگی‌های فیلم و نگاه جست و جوگرانه‌اش به حقیقت به اعتقاد شما این علاقه‌مندی چقدر از موضوع فیلم می‌آید. هم از شما و هم از آقای بارسقیان سؤال می‌کنم در این سال‌ها راجع به آقای مصدق مستندهای زیاد ساخته شده است. این علاقه از نیاز روح زمانه می‌آید و اینکه مخاطب در این موقعیت تاریخی بیشتر دوست دارد از مصدق شناخت پیدا کند. استقبال از سوی هموطنان ایرانی‌ام یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین اتفاق‌ها برای فیلم بود. هیچ چیز برای من بیش از استقبال هموطنانم ارزش ندارد. از هر جایزه و تقدیری برتر است. من از بچگی و در ایران عاشق سینما شدم. بعد از ظهرها تا مدرسه جیم می‌شدم تا خودم را به سینمای دم دوراهی قلهک برسانم و «گاو» مهرجویی و فیلم‌های شهید ثالث را ببینم. اینکه اولین فیلم بلندم پیش از من به ایران برمی‌گردد و با چنین استقبالی مواجه می‌شود باعث افتخار است. از این استقبال دلگرمم چرا که سوزه مهم

بود. اگر در خانه کسی عکس مصدق پیدا می‌شد دستگیرش می‌کردند.

■ **در صحنه‌ای شما رو به دوربین و خطاب به برن می‌گویید من کناریک قفسه بیگانی و کشویی پرازسند ایستاده‌ام که سرنوشت وطنم را عوض کرد، سرنوشت من و خانواده‌ام را هم عوض کرد.** پس از آن صحبت‌های روزولت را داریم که از یک میلیون دلار پول نقد برای به سامان رساندن کودتایم کوید و این که فقط با ۶۰ هزار دلار این کار را انجام داده است: «تنها چیزی که از من پرسیدند این بود که آخه چطور تونستی به این ارزونی سرو ته قضیه رو هم ببیاری.» کنار هم قرار گرفتن همین دو صحنه نشان می‌دهد که هوش و نگاه درست والتر مرچ چقدر نجات دهنده بوده است. ایستادن پای فیلم از جانب شما به عنوان یک ایرانی دغدغه‌مند اگر چه استثنایی اما پذیرفتنی است، ماجرای والتر مرچ اما متفاوت است. او چطور این قدر وفادارانه پای کار ماند و اصلاً چطور پیشنهاد همکاری را قبول کرد.

همان طور که خودش می‌گوید در انتخاب فیلم سه مؤلفه برایش مهم است. اول اینکه سوزه مهم باشد و بتواند با داستان رابطه شخصی پیدا کند. نکته دوم فیلمساز است و اینکه آیا می‌تواند با او شبانه روز در یک اتاق تدوین کار انجام بدهد. سوم اینکه آیا بودجه و امکانات ساخت فیلم مهیاست، می‌توان به آرشیو فیلم‌ها دسترسی داشت و... من خوابش را هم نمی‌دیدم و حتی جرأت فکر کردن به این را نداشتم که والتر مرچ فیلم من را ادیت کند. حدود ۷-۸ سال پیش با او آشنا شدم. به شکل تصادفی و در رونمایی یک کتاب. گفتند والتر مرچ حضور دارد و من هم گفتم برم ببینمش. برایش احترام قائل بودم و آشنایی با چنین فردی برایم مهم بود. با او که صحبت کردم متوجه شدم مشغول کار علمی راجع به فیزیک است. من هم فیزیک خوانده‌ام. این گونه ما از طریق فیزیک به هم جوش خوردیم. پرسید تو چه کار می‌کنی. توضیح دادم که قرار است فیلمی راجع به مصدق بسازم. گفت چیزهایی شنیده، کودتا، نفت، چرچیل، تعجب کردم. عجیب است که یک امریکایی راجع به چنین چیزی‌هایی اطلاعات داشته باشد. ته ذهنم نشست که والتر مرچ چه نابغه‌ای است که حتی راجع به مصدق هم می‌داند؛ البته او آدم سیاسی است. در واقع علاقه‌اش به تاریخ او را به این پروژه کشاند. قرار بود ۶ ماه کار کند که تبدیل شد به ۴ سال. همیشه گفته‌ام ۴ سال به دانشگاه والتر مرچ رفتم و روزی که فیلم تمام شد فارغ التحصیل شدم.

■ **بارسقیان: به نظر می‌رسد یک چیزهایی بعد از فیلم شروع می‌شود و اتفاقات حین اکران و بعدش به داستان دیگری تبدیل می‌شود.** «کودتای ۵۳» دارد داستان تازه‌ای را شکل می‌دهد. قبل از این هم کودتا سیاست بود و تاریخ. روح سرگردانی بود بر روابط ایران و آمریکا. یک مبدأ برای ما ایرانی‌ها. الان هم مقامات جمهوری اسلامی به کودتا استناد می‌کنند که دشمنی آمریکا با ما از انقلاب شروع نشد بلکه از کودتای ۲۸ مرداد شروع شد؛ حتی اگر علاقه و اعتقادی به دکتر مصدق نداشته باشند اما آن را مبدأ اتفاقات و تحولات روابط می‌دانند. فکری برای ادامه این داستان دارید؟

بله من هم معتقدم ساخت «کودتای ۵۳» و هر بلایی بعد از پخش سر این فیلم آمد خودش یک داستان و فیلم است. انگار فیلم از خود سوزه بزرگ‌تر شده است. سال ۸۸ و از روز اولی که تصمیم به ساخت فیلم گرفتم این حس را داشتم. راجع به ساخت فیلم و کشف تاریخی داری شر؛ پیشنهاد کتاب و حتی ساخت فیلم سینمایی شده است. هنوز تصمیم قطعی نگرفته‌ایم. ۱۱ سال درگیر «کودتای ۵۳» بودم. مستند سال ۲۰۱۹ تمام شد. ۲۰۲۰ پخش شد. ۲۰۲۱ به جشنواره‌ها رفت و بعد از یک اقدام برای سانسور دوباره برگشت. بالاخره یک روز باید بنشینیم، نفسی بکشیم و جای بخوریم و فکر پروژه بعدی باشیم. یک جورهایی من آقای دکتر مصدق بگویم آقا خیلی ممنون. تا به اینجا آمدی و قصه‌ات را گفתי و دیگر خودت با مخاطب بساز.

■ **فکری می‌کردید فیلم اینقدر با استقبال مواجه شود و بهترین فیلم از نگاه تماشاگران انتخاب شود.** فارغ از شایستگی‌های فیلم و نگاه جست و جوگرانه‌اش به حقیقت به اعتقاد شما این علاقه‌مندی چقدر از موضوع فیلم می‌آید. هم از شما و هم از آقای بارسقیان سؤال می‌کنم در این سال‌ها راجع به آقای مصدق مستندهای زیاد ساخته شده است. این علاقه از نیاز روح زمانه می‌آید و اینکه مخاطب در این موقعیت تاریخی بیشتر دوست دارد از مصدق شناخت پیدا کند. استقبال از سوی هموطنان ایرانی‌ام یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین اتفاق‌ها برای فیلم بود. هیچ چیز برای من بیش از استقبال هموطنانم ارزش ندارد. از هر جایزه و تقدیری برتر است. من از بچگی و در ایران عاشق سینما شدم. بعد از ظهرها تا مدرسه جیم می‌شدم تا خودم را به سینمای دم دوراهی قلهک برسانم و «گاو» مهرجویی و فیلم‌های شهید ثالث را ببینم. اینکه اولین فیلم بلندم پیش از من به ایران برمی‌گردد و با چنین استقبالی مواجه می‌شود باعث افتخار است. از این استقبال دلگرمم چرا که سوزه مهم

قبلی را دور بریزند و دوباره چاپ کنند تا آن جمله تغییر کند. مورخ‌های وزارت امور خارجه آمریکا در عرض هر چند سال بر اساس تاریخ امور خارجه کشورشان گزارش رسمی چاپ می‌کنند. یک نسخه از این تاریخ مربوط به سال ۳۲-۳۱ است که بخشی از آن راجع به کودتاست. در این گزارش نقش انگلیس‌ها خیلی واضح است. این گزارش قرار بود سال ۸۹ میلادی منتشر شود. به انگلیسی‌ها خبر می‌رسد و آنها فوری جلوی امریکایی‌ها را می‌گیرند. پاکسازی می‌کنند و بعد اجازه انتشار می‌دهند. قصه این داستان را آقای مالکوم برن تعریف کرد که البته در سایت‌شان هم هست. این گزارش بالاخره در سال ۲۰۱۷ منتشر شد. بخشی از این مدارک در فیلم ما هم استفاده شده است. داستان این مستند تقریباً شبیه همان ماجراست. با داری شر مصاحبه کردند و هیچ کس آن را انکار نمی‌کند. هر کدام از جمله‌های او مثل یک بمب منفجر می‌شود. به هر دلیلی جلوی انتشار مصاحبه را می‌گیرند تا یک ایرانی پیدا شود و مصاحبه را پخش کند. این هم کار من نیست. به قول جان لوک گدار کارگردان نایغه سینما «تو فیلم را نمی‌سازی فیلم تو را می‌سازد.» من مصدق را انتخاب نکردم. او من را انتخاب کرد. برای خودم هم جالب است که بعد از این همه سال داستان تاریخ ایران و مصدق و... من را انتخاب می‌کند تا در خود انگلیس به عنوان یک ایرانی این اسناد را افشا کنم. اگر یک روز غییم زد بدانید که خودم غیب نشده‌ام، من زندگی را دوست دارم. عاشق زندگی و فیلم و هنر و سینما هستم.

■ **بارسقیان: مگر واکنشی دیدید؟ داستان شکایت سازندگان مستند «پایان امپراطوری» چه بود؟**

یک ادعای بوج. چون هیچ وقت شکایت قانونی و رسمی نشد. تهدید زیاد بود. خیلی هم زیاد. هی چوب بلند کردند و فکر کردند که گریه می‌ترسد و می‌رود. والتر مرچ انسان عجیبی است. تدوینگر، فیلم که تمام می‌شود می‌رود دنبال کار بعدیش. اما او ۲ ماه کنار من ایستاد. محکم هم ایستاد تا از حیثیت تیم‌مان و فیلم حمایت کنیم که سانسور نشود. ۳، ۴ وکیل ابرقدرت گرفتیم. افتخار می‌کنم که بگویم دو نفر از این وکیل‌ها ایرانی هستند و یکی شان مجانی به ما کمک کرد. ثابت شد که شکایت سازندگان این سریال مبنای قانونی ندارد. یکی از اسناد ما مجوزی است که صاحب امتیاز آرشیو «پایان امپراطوری» به ما داد و پس گرفت. به شکل رسمی قرارداد بستیم و پولش را پرداخت کردیم. فیلم یک سال در جشنواره‌ها پخش شد اما آن‌ها مجوز را حذف کردند و به خاطر مسائل کپی‌رایت دیگر نمی‌توانستیم فیلم را نشان بدهیم. ۴ ماه جنگ داشتیم و در نهایت بردیم. همزمان با جشنواره سینما حقیقت فیلم برگشت. الان هم در سراسر انگلیس، آمریکا، ایرلند، کانادا و... پخش می‌شود. قرار است بزودی در بقیه کشورها هم پخش شود. امیدوارم پس از جشنواره فجر در ایران از سایت هاشور به نمایش در بیاید. اگرچه هنوز ماجرا تمام نشده اما در اینترنت سم‌پاشی می‌کنند. هر کس که فیلم را می‌بیند تصدیق می‌کند که تهمتی به آنها ن‌زدیم. من با دقت کار کردم. بعد از ۱۰ سال تلاش در لحظه آخر کاری نمی‌کنم که با یک تهمت غیرقانونی و لطمه زدن به حیثیت، فیلمم را باطل کنم و اعتبارش را از بین ببرم. باعث تأسف است که یکی دو دوست ایرانی از جمله خبرنگار به آنها ملحق شده‌اند و سم‌پاشی می‌کنند. حالا داستان آنها چیست خودشان می‌دانند و خودشان. کودتا هم بدون ایرانی نمی‌شد. الان هم حمله به ما بدون کمک ایرانی نمی‌شود. ■ **به واکنش دولت انگلیس اشاره کردید، جنس واکنش مخاطبان متفاوت از واکنش رسمی بود؟**

مخاطب چه انگلیسی و چه امریکایی واقعاً عاشق «کودتای ۵۳» است. ایمیل‌ها، پیام‌های فضای مجازی و کامنت‌هایی که می‌نویسند گویای این‌علاقه است. قبل از شیوع کوید، نمایش حضوری هم داشتیم. فیلم در جشنواره‌های آمریکا، اروپا، سوئد، ایتالیا و... نمایش داشت. من و والتر در تمام جلسه سؤال و جواب حضور داشتیم. در تمام نمایش‌های فیزیکی ایستاده واکنش مخاطب را تماشا می‌کنم. همه میخکوب هستند. دو نوع واکنش داریم. انگلیسی‌ها می‌گویند ما از طرف دولت‌مان شرمند هستیم که چنین بلایی سر شما آوردند، نمی‌دانستیم. برخی با گریه از من تشکر می‌کنند. امریکایی‌ها هم می‌گویند اصلاً روح‌مان خبر نداشت. فکر می‌کردیم اختلاف ایران و آمریکا بعد از انقلاب آغاز شد و از سال ۵۹ و ماجرای سفارت آمریکا تازه آگاه شدیم که ایران کجای نقشه است. ما برای همین فیلم را ساختم تا پرده سینمای حافظه تاریخی مردم انگلیس و آمریکا را باز کنیم و فراتر از انقلاب به سال ۳۲ برگردند و ببینند که ریشه اصلی این داستان کجاست. جالب این که در این جست‌وجوها عکس‌هایی در آرشیوها پیدا کردم که چند روز بعد از انقلاب نزدیک میدان آزادی یک نفر عکس‌های مصدق را کنار پیاده‌رو گذاشته و می‌فروشد. عکس‌هایی که پیش از این دغفن



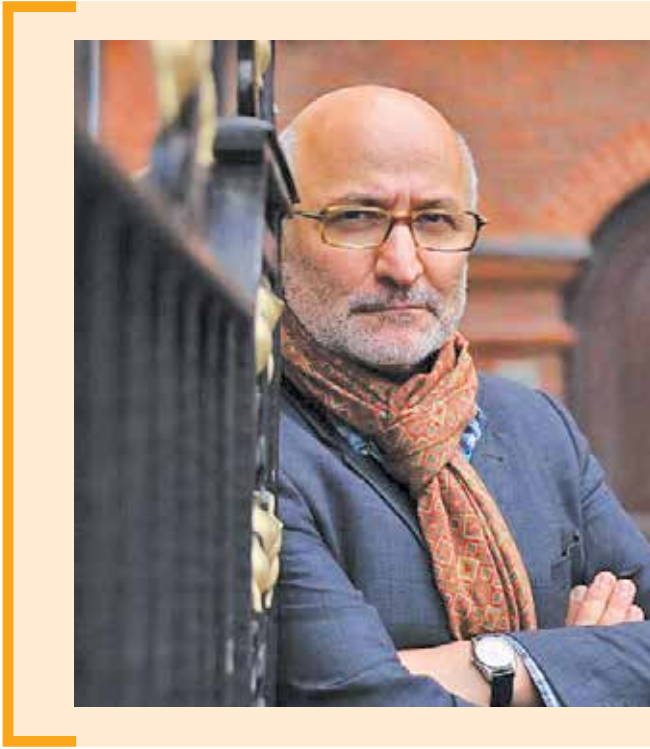
ایوانفصل/شاهی/ایران

صدق

این ماجرا دارد. گویا سازندگان سریال دلخور هستند از این که شما آنها را بی اعتبار کردید. ماحصل کار شما برای ما ایرانی‌ها که همیشه دوست داشتیم نقش انگلیس در کودتای ۲۸ مرداد به اثبات برسد، خوشحال کننده است. رفتار انگلیسی‌های محافظه‌کاری که همه این سال‌ها نم پین ندادند و تا توانستند جلوی این روایت را گرفتند چطور بود؟

حدود ۵۳۲ ساعت مصاحبه داشتیم که متأسفانه نتوانستیم در فیلم استفاده کنیم. یکی از این مصاحبه‌ها با مرحوم شاه‌حسینی

می‌گویند ما کاری نکردیم میدان را برای روزولت باز گذاشتند. او هم از این ماجرا سودهای زیادی برد و قراردادهای پرمایه‌ای نصیبش شد. با شاه قرار می‌گذاشت و با هم کادورد و بدل می‌کردند. کتاب نوشت. تلویزیون رفت و معروف شد. یکی از دلایلی که داری شر عاجز شد و به این مصاحبه تن داد شاید همین مسائل باشد. این کشف برای من ارزشمندتر از همه چیز است. چون توانستم به تاریخ ایران خدمت کنم. بدون شک نفر دیگری می‌تواند بیشتر تحقیق کند



است. در این مصاحبه اولین جمله‌ای که از ایشان می‌شنویم این است که ممکن است حقیقت گاهی پوشیده باشد ولی شکوفایی دارد و بالاخره بیرون می‌آید و پوشیده نمی‌ماند. در آمدن اسرار داری شر مصداق همین حرف است. هر چقدر انگلیس سعی کند این داستان را سانسور کند اما حقیقت معلوم خواهد شد. برای سانسور تایمز چاپ شد یا اسنادی که در دوره اوپامو ترامپ منتشر شد، باز از انگلیسی‌ها صدایی درنیامد. شما در لندن پای دولت انگلیس را وسط کشیدید و نشان دادید که چه نقشی در

و بند روی دست داری شر. ■ **بارسقیان: مصاحبه حذف شده از سریال «پایان امپراطوری» تقریباً همزمان با انتشار کتاب روزولت است. این اتفاق نشان می‌دهد دولت انگلیس از همان زمان در ابعاد مختلف سانسور را اعمال می‌کند. با وجود مقاله‌های مختلفی که در دو دهه اخیر در نیویورک تایمز چاپ شد یا اسنادی که در دوره اوپامو ترامپ منتشر شد، باز از انگلیسی‌ها صدایی درنیامد. شما در لندن پای دولت انگلیس را وسط کشیدید و نشان دادید که چه نقشی در**

ضمیمه جشنواره‌های فیلم و تئاتر فجر

- **روزی روزگاری آیدان**
- **نویسنده و کارگردان:** حمیدرضا آذرنگ
- **بازیگران:** فاطمه معتمدآریا، محسن تانبنده، الهام شفیعی، هیراد آذرنگ، سهیل دانش شاد، خورشیدی و امیرحسین ابراهیمی
- **خلاصه داستان:** خانواده پنج نفره مصیب در آخرین روز سال، مشغول خرید شب عید هستند. اما به دلیل اعتیاد پدر خانواده کشمکش میان آن‌ها درمی‌گیرد.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۱، پردیس ایران مال (۳-۲-۷) ساعت ۱۴:۳۰، پایتخت (۱) ساعت ۱۸، چارسو (۵-۶) ساعت ۱۸، راگا (۱) ساعت ۱۸، فرهنگ (۲) ساعت ۱۱:۳۰، پردیس مگامال (۴-۳-۲-۱) ساعت ۱۵، لوتوس (۱-۲) ساعت ۱۸

- **روشن**
- **نویسنده و کارگردان:** روح الله حجازی
- **بازیگران:** رضا عطاران، سیامک انصاری، سارا بهرامی، مهدی حسینی‌نیا، ابراهیم عزیزی، مسعود میرطاهری، محمدولی زادگان، علی رحیمی، سید علیرضا میرسالاری و با معرفی نازنین سهامی زاده و بازیگر خردسال سرگل لولاسانی
- **خلاصه داستان:** روشن مرد ساده‌دلی است که دلش می‌خواهد بازیگر سینما شود. اما مصایب دیگری سر راهش وجود دارد؛ مثل خانه‌ای که ثبت نام کرده و تخلیه نمی‌دهند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۴، پردیس ایران مال (۳-۲-۷) ساعت ۱۷:۴۰، درآشپب ساعت ۱۲، فرهنگ (۲) ساعت ۱۴:۳۰، پردیس مگامال (۴-۳-۲-۱) ساعت ۱۸، لوتوس (۱-۲) ساعت ۱۵

- **البیق**
- **نویسنده و کارگردان:** نرگس آبیبار
- **بازیگران:** بهرام رادان، الناز شاکردوست، هوتن شکیبا، مهران احمدی، گلاره عباسی، گیتی معینی، امین میری و الهه اذکاری
- **خلاصه داستان:** برای یک زن که در حاشیه شهری بزرگ با همسر و فرزندش زندگی می‌کند، ماجرای رقم می‌خورد تا همچنان بتواند کیان خانواده را حفظ کند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آزادی (شهر هفتم، شهر هنر) ساعت ۱۷، بهمن (۱-۲) ساعت ۱۲، دزاشیب ساعت ۱۵، پردیس زندگی (۱-۲) ساعت ۱۵، فرهنگ (۲) ساعت ۱۷:۲۰، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۲، آرک تجریش (۱-۲) ساعت ۱۸

- **مامان**
- **نویسنده و کارگردان:** آرش انیسی
- **بازیگران:** رویا افشار، امیر نوروزی، عرفان ابراهیمی، امیر شمس، شقایق شوریان، اسماعیل شفیعی، ندا اسدی، پونه پارسایی و مرتضی علی عباس میرزایی
- **خلاصه داستان:** «مامان» با وجود جدایی از شوهرش، هنوز برای خواهر و برادرهای او همان «نانسی» دختر آبادانی با کلاس و دوست داشتنی، اما برای پسرهایش یک پیرزن بد اخلاق، غرغرو و عصبی است که با تانگی خود، مسافر کشی می‌کند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آستارا (۱) ساعت ۱۲، بهمن (۱-۲) ساعت ۱۵، دزاشیب ساعت ۱۸، پردیس زندگی (۱-۲) ساعت ۱۸، فلسطین (۱) ساعت ۱۲، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۵، آرک تجریش (۱-۲) ساعت ۱۵

- **ستاره بازی**
- **نویسنده و کارگردان:** هاتف علیمردانی
- **بازیگران:** فرهاد اصلانی، ملیسا ذاکری، مارشال منس، هستی جوادی، مایکل مدسن، علی مصفا و شبنم مقدمی
- **خلاصه داستان:** صبا به همراه خانواده‌اش به آمریکا مهاجرت می‌کند به امید آنکه معجزه‌ای رخ دهد و سرطانش درمان شود.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آستارا (۱) ساعت ۱۵، بهمن (۱-۲) ساعت ۱۸، سپیده ساعت ۱۲، فلسطین (۱) ساعت ۱۵، موزه سینما (سینما توگراف، فردوس) ساعت ۱۸، دیش ساعت ۱۸، هدیش سال ساعت ۱۲، پرستو (دموند) ساعت ۱۸، نسیم (نسیم شهر) ساعت ۱۵

- **بی‌هیچ‌همه**
- **کارگردان و محسن قراپی**
- **نویسندگان:** محسن قراپی و محمد داوودی
- **بازیگران:** پرویز پرستویی، هدیه تهرانی، باران کوثری، هادی هجازی فر، پدرام شریفی، لاله مرزبان، بابک کریمی، مهتاب نصیرپور، فرید سجادی حسینی، زهیر یاری، عیسی یوسفی پور، خسرو پیسانی و مهدی صباغی
- **خلاصه داستان:** روستایی دور افتاده سال هاست که رونق پیشین را ندارد. ساکنان با کوچ اجباری کرده‌اند یا اگر مانده‌اند در فقر و بدبختی به سر می‌برند. روستا اما میهمانی دارد که خود در همین جا متولد شده و از کوچش ۲۰ سالی می‌گذرد، او متولد است و اهالی در خیال اینکه او آمده تا روستا را از این فلات نجات دهد روپایه‌ای می‌کنند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آستارا (۱) ساعت ۱۸، تماشا (۱) ساعت ۱۲، سپیده ساعت ۱۵، فلسطین (۱) ساعت ۱۸، پردیس کوروش (گراند سینما، لاله زار، خورشید) ساعت ۱۴:۳۰، قدس ساعت ۱۲، هدیش مال (۱-۳) ساعت ۱۵، پرستو (دموند) ساعت ۱۵، نسیم (نسیم شهر) ساعت ۱۸

- **خط فرضی**
- **نویسنده و کارگردان:** فرنوش صمدی
- **بازیگران:** سحر دولتشاهی، پژمان جمشیدی، حسن پورشیرازی، آریتا حاجیان، صدف عسکری، امیررضا زنجبران، نوید بانی و کتایون سالکی
- **خلاصه داستان:** سارا به همراه همسرش حامد و دختر خردسال شان به یک عروسی در شمال ایران دعوت شده‌اند، اما حامد به دلیل مشکلات کاری نمی‌تواند به این سفر برود و این سرآغاز اتفاقی است که زندگی سارا را دگرگون می‌کند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آفریقا ساعت ۱۲، تماشا (۱) ساعت ۱۵، سپیده ساعت ۱۸، پردیس کوروش (گراند سینما، لاله زار، خورشید) ساعت ۱۴:۳۰، قدس ساعت ۱۲، هدیش سال (۱-۳) ساعت ۱۸، شمیران سنتر (۴) تارنجی (۲) قرمز ساعت ۱۸، هنر (پیشوا) ساعت ۱۵

- **منصور**
- **نویسنده و کارگردان:** سیاوش سمرمدی
- **بازیگران:** محسن قصابیان، حمیدرضا نعیمی، علیرضا زمانی نسب، سیدجواد هاشمی، قاسم زارع و لیندا کیانی
- **خلاصه داستان:** شهید ستاری به کمک همراهان صدیق و با اعتمادش، پاینده‌ای تولید هوپایماهای جنگی را بنا می‌کند که بعدها این نوع هوپایماها با نام‌ای از آذرخش و صاعقه شناخته می‌شوند.
- **سینماهای نمایش دهنده:** آفریقا ساعت ۱۵، تماشا (۱) ساعت ۱۸، سروش (۱-۲) ساعت ۱۲، پردیس کوروش (گراند سینما، لاله زار، خورشید) ساعت ۱۷:۳۰، قدس ساعت ۱۵، نارسیس (۱-۲) ساعت ۱۲، شمیران سنتر (۲) تارنجی (۲) قرمز ساعت ۱۵، هنر (پیشوا) ساعت ۱۸